

## موضوعی مسئولانه در لحظه ای به جا

بیانیه گروهی از آزاداندیشان، نویسندگان، فعالان سیاسی، دانشجویی و کارگری ایران  
یرامون نهمین دور انتخابات ریاست جمهوری اسلامی

رضا اکرمی ۲۹ اردیبهشت ۸۴-۱۹/۰۵/۲۰۰۵

بیش از ۶۰۰ نفر از فعالین سیاسی، فرهنگی، دانشجویی و کارگری در ادامه موضع اصولی خود مبنی بر ضرورت فراتر رفتن از ساختار سیاسی و حقوقی حاکم بر کشور، جهت حل بحرانهای همه جانبه موجود و هموار نمودن راه تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، به تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۸۴ و در حالیکه حدود یک ماه به انتخابات نهمین دور ریاست جمهوری در ایران باقیست، بیانیه دوم خود را که به همین موضوع ارتباط دارد منتشر کرده اند.

آنها پس از برشمردن شرایط غیر دموکراتیک حاکم بر این انتخابات که به درستی ناشی از ذات قانون و ساختار سیاسی کنونی ارزیابی میکنند می نویسند:

«بی تردید حساسیت زمان و مخاطره آمیز بودن زمانه، هریرانی را به خود می خواند که با هشجاری کامل به آینده میهن و استقلال و آزادی این سرزمین بیاندیشد و ایستادگی در برابر یکه تازی های ایران بر باد ده را و جبهه همت خویش قرار دهد تا پیش از آنکه بحران های داخلی و خارجی عمیق بیشتری یابد، شرایطی فراهم گردد تا حاکمیت ملی به نحوی مسالمت آمیز و در فضائی باز و آزاد و با تکیه بر اصول دموکراسی و حقوق بشر و جمهوریت واقعی و عدالت اجتماعی، خارج از هرگونه تبعیض نژادی، جنسیتی و قومی - به دور از خشونت - در کشور استقرار یابد»

امضاء کنندگان بیانیه که این بار نه نیروهای «برانداز و ضد انقلاب در خارج از کشور»، چنانکه جو سازان «جبهه اصلاحات» مایل اند رقبا سیاسی خود را در جنبش دموکراتیک جمهوریخواهی بدان بنامند، بلکه کسانی هستند که در تمامی سالهای هشت ساله گذشته، همه هم خود را بکار گرفته اند تا در چارچوب امکانات و ظرفیتهای موجود راهی بر تحول ایران در مسیر آزادی و دموکراسی بگشایند و بی حاصلی این تلاش را در عمل تجربه کرده اند، گوئی در پاسخ به آنهایی که شرکت در هر انتخابات را تا حد یک فریضه دینی مقدس می شمارند و بر این باورند که:

«انتخابات آینده ریاست جمهوری فرصتی است که نیروهای دموکرات و اپوزیسیون آزادخواه ایران بتوانند بر فراز موانع ساختار سیاسی و حقوقی موجود و با ارائه برنامه و نامزد مستقل انتخاباتی برای تغییرات بنیادی، افکار عمومی را به خود جلب کنند و این راهبرد سیاسی را در بطن جامعه نهادی سازند.» (نقل

از بیانیه اتحاد جمهوریخواهان ایران در باره همین انتخابات) می گویند:

«آنچه در انتخابات اهمیت دارد، نه تکرر عددی است و نه صحنه سازی های انتخاباتی. انتخابات زمانی معنا دارد که تکرر کیفی و تنوع واقعی علائق و دیدگاه های مختلف در صحنه حاضر باشد. انتخابات را زمانی می توان توأم با تکرر واقعی دانست که تمامی دیدگاه های موجود در سپهر سیاسی و اجتماعی ایرانیان که به منافع ملی و تمامیت ارضی کشور می اندیشند اعم از داخل و خارج، امکان شرکت و رقابت داشته باشند» (بیانیه گروهی از آزاد اندیشان ...)

و باز از آنجا که هنوز در صف مدافعین آزادی - ولو محدود نگر و مقید به شرط و شروط - از جمله نهضت آزادی ایران که دبیر کل خود، آقای ابراهیم یزدی را با التزام عملی به قانون اساسی به صحنه انتخابات فرستاده است تا بقول آقای غلامعباس توسلی از رهبران این «نهضت»، «ضمن رد طرح هایی مانند برگزاری رفراندوم» بگوید «ما معتقدیم که در چارچوب همین ساختار می توان اصلاحاتی را انجام داد. اگر شروط ما را پذیرفتند که بهتر، در غیر این صورت وظیفه الهی خود را انجام داده ایم.» و یا چنانکه خود آقای یزدی می گویند «برای تحقق شروطمان ناامید نیستیم و ناامیدی و یأس را شرکت می دانیم. ما فرمان الهی را اجرا می کنیم همانطور که خداوند به موسی گفت؛ برو و با فرعون صحبت کن.» امضاء کنندگان بیانیه با درک این مسئولیت که باید تجربه خود را بدون ابهام با مردم در میان گذاشت و آنهم نه زمانی که دیگر بکار ثبت در تاریخ خواهد خورد، می نویسند:

«گرچه برخی از فعالان، برای اتمام حجت به شورای نگهبان و به امید آنکه با درک شرایط موجود راه خردمندانه ای پیش گرفته شود، اعلام عدم شرکت خود در انتخابات را به موقعی محول ساخته اند که شورای نگهبان حربه عدم تأیید صلاحیت را در مورد تعدادی از کاندیداها، بخصوص کاندیدا های زن، به کار برد، ولی ما امضاء کنندگان در شرایط موجود، با توجه به اشکالات بنیادی که در بالا برشمرده شد و با توجه به اینکه مشکل اصلی، منحصر به عمل جانبدارانه و غیر دموکراتیک شورای نگهبان نیست، با الهام از وجدان عمومی و آنچه از تصمیم خود جوش

مردم احساس می شود، موجبی برای مشارکت در این انتخابات نمی بینیم و اعلام می داریم در این انتخابات، نه کاندیدائی را تأیید و نه رای خواهیم داد.» قاندا رهبران «نهضت آزادی ایران» که از جمله در همین تبلیغات انتخاباتی خود بر بیش از ۴۰ سال سابقه فعالیت خود انگشت می گذارند خوب می دانند که حتی در ضعف مفرط کنونی نیز، مسئولین جمهوری اسلامی کاندیداتوری آقای ابراهیم یزدی را «تأیید صلاحیت» نخواهند کرد. و چنانکه معلوم است فرعون هنوز چنان جای خود را محکم می بیند که رخست گفتگو هم به موسی نخواهد داد.

استفاده از شرایط و فضای آستانه انتخابات جهت طرح برخی مطالبات دموکراتیک در میان مردم نیز بهانه دیگریست که معمولاً این گرایشات پشت آن موضع می گیرند تا مصالحه جوئی بی نهایت خود را توجیح نمایند. گذشته از این که آنچه به عنوان برنامه و پروژه «نهضت آزادی» تا کنون ارائه شده است کمترین نشانی از ضروریتهای گذار از وضعیت بغرنج اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنونی را در خود ندارد، اما می دانیم که طرح مطالبات مورد نظر آنها خارج از این که کاندیدائی هم معرفی نمایند یا نه، با همین شعاع و برد قابل طرح است و اصولاً در آستانه هر انتخاباتی فرهنگ «تأمل و تساهل» حضرات حاکم، کش می آید و برخی نک و نالها قابل شنیدن است.

اما واقعیت تمایل و گرایش که دوستان «نهضت آزادی» و همچنین گرایش مسلط بر «اتحاد جمهوریخواهان ایران» در چنبره آن گرفتارند چیز دیگریست و آن ماندن مردم از هرگونه ابتکار در جنبشهای سیاسی مردمی و مستقل، به بهانه از دست خارج شدن آنها و زمینه ساز بودن شورهای غیر قابل کنترل است و محدود کردن مطالبات و خواستههای خود در چارچوب ظرفیت رژیم. برای این دوستان راهی جز عقب نشاندن ذره به ذره رژیم وجود ندارد و این از مسیر ساز و کارهای موجود و از جمله انتخابات زیر سیطره و قوانین همین رژیم می گذرد. و البته امروز در ایران چنین گرایشی حزب و سازمان قوی تر و صاحب امتیاز تر خود را دارد هم چون «جبهه مشارکت ایران اسلامی» و «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» و اگر قرار باشد فکر و نیروئی متوجه آن گردد به نسخه اصلی آن می پیوندد. و نه به نیرو، مشی و برنامه ای رو نوشت شده.

### بقیه از صفحه ۴ انتخابات آزاد و عادلانه شد!

اپوزیسیون ترقی خواه نیز اگر در این هدف رژیم را ناکام و در این نقطه پشت او را به خاک نشانند، به پیروزی دست یافته است. از این رو بیش از هر چیز هم آوائی و هم صدائی اپوزیسیون در تبلیغ عدم شرکت در این رای گیری اثر گذار و کارا خواهد بود. متأسفانه طی ماههای گذشته گروهی از اپوزیسیون ترقی خواه در پی سراب معرفی یک کاندیدای دموکرات انرژی خویش را مصروف طرح های خیالی کردند. برخی دیگر، روشن نیست تا کی می خواهند گام های خود را با جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی هماهنگ کنند و در پی آنان گام در چاه گذارند. اما رسوائی و خود غرضانه بودن اهداف آنان، بخش قابل توجهی از این نیرو را به تردید انداخته در مقابل انتخابات فرمایشی قرار داده است. امروز گروه وسیعی از نیروی ترقی خواه جامعه که از انقلاب تا کنون بی سابقه بوده است، به یک سیاست مشترک در "نه" به انتخابات رسیده اند. در داخل کشور بیش از ۶۰۰ تن از فعالان سیاسی، کارگری، دانشجویی و... به شکل صریح و روشنی اعلام کرده اند که در این انتخابات "نه" کاندیدائی را تأیید و نه رای خواهیم داد"، تشکل های مختلف دانشجویی یکی پس از دیگری "نه" خود را به انتخابات فریاد کرده اند. کارگران در مخالفت با انتخابات میتینگ خانه کارگر را که قرار بود تبدیل به میتینگ حمایت از رفسنجانی شود، برهم زدند در هر گوشه ای از مپهنان مردم در مخالفت با انتخابات صدای خود را بلند کرده اند. بسیار اهمیت دارد اپوزیسیون در خارج از کشور صدای "نه" خود به انتخابات را هماهنگ کند و آن سیاستی را برگزیند که مردم کشورمان امروزه آن عمل می کنند. من فکر میکنم خلوت گذاشتن خیابانها و اطراف صندوق های رای مناسب ترین تاکتیکی است که امکان مانور و تبلیغ را به سود رژیم کاهش می دهد. همزمان نیازمندیم صدای "نه" مردم ایران را به گوش افکار عمومی و نهادها و مراجع رسمی بین المللی برسانیم. تمامی شرایط برای ضربه ای کاری به حکومت فراهم است. اپوزیسیون دموکرات ایران می باست بدون تنگ نظری و ایرادات بنی اسرائیلی برای یک حرکت وسیع و سراسری دست به کار شود. زمان تنگ است. ابتکار این فرصت را به فرصت سوزان حرفه ای نسپاریم و فشرده دستان نیروهای آزادی خواه برای تحریم انتخابات وظیفه ماست. به وظیفه خود مسئولانه عمل کنیم.

بقیه از صفحه ۳

### هاشمی رفسنجانی به صحنه باز می گردد

.....

تمامی نظر سنجی هائی که تا کنون از طرف خود حکومت انجام شده است و در مواردی اطلاعات آن به بیرون درز کرده است حکایت از رویگردانی بازهم بیشتر مردم نسبت به انتخابات مجلس هفتم می دهد. در صفوف اپوزیسیون نیز اگر اما و اگرهایی که پیشتر به آن اشاره شد کنار گذاشته شود. و یک صدا به این نمایش انتخاباتی نه گفته شود. و اگر برخی فعالین سیاسی - اجتماعی و به ویژه مدیران لایحه های میانی و پائین ادارات، تکنوکراتهای «مدرن» که این روزها این جا و آنجا دست بکار تبلیغ رفسنجانی می باشند، بدانند که فضای تنفسی محدود آنها، با وجود یک رفسنجانی ضعیف بر پست ریاست جمهوری مهیا تر است، می توان انتظار داشت که خوردن « داروی تلخ » یا همان « جام زهر » آغاز پایان عمر حاکمیت و خلافت « سرداری » باشد که حاصل کار هر دو آنها به هم گره خورده است و ارمغانی جز جنگ، جنایت، قتل، آوارگی، فقر و فلاکت میلیونها انسان بدنبال نداشته است.

پاسخ به سؤال دوم یعنی رفتار سیاسی فردای انتخاب رفسنجانی در پست ریاست جمهوری نیز به میزان زیادی در گرو همین نتیجه است. می دانیم که گره موجود در زمینه های مختلف سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و حتی روانی حاکم بر کشور ما و همچنین مناسبات ایران با جهان خارج از جمله به دست رفسنجانی ایجاد شده است. در این که وی هم بدلیل منافع و هم جاه طلبیهای شخصی حتی در مقابل منافع کل حکومت نیز ایستادگی کرده باشد، بعید نیست. بنا بر این، این احتمال که وی در برخی از عرصه ها به ویژه در عرصه بین المللی دست به عقب نشینیهای بزند و بقول خود او « تهدید ها را به فرصت » تبدیل کند دور از ذهن نیست. اما باز هم باید تأکید کرد همه این موارد در گرو نتیجه آرائی است که به صندوقها ریخته می شود و یا بهتر است گفته شود در گرو این است که تا چه میزان در روز انتخابات مردم در خانه ها بمانند و یا اشکالی از حرکت و مقاومت را اختیار نمایند که صدای رویگردانی خود از چنین انتخاباتی را به گوش جهانیان برسانند.

بیانه اخیر ۱۵۶ فعال سیاسی و اجتماعی در ایران از جمله نوید دهنده این امید نیز می باشد که چنین طلسمی در خود کشور نیز شکسته می شود. و آزادیخواهانی که بخش مهمی از آنها تا دیروز بر باور همین تکانه های محدود بوده اند راه جدیدی را می گشایند، که آرزوئی جز پایداری بر آن، برای همه آنها نیکه دل در گرو آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، که بدون تردید با تحول اساسی در ساختار سیاسی موجود می تواند مسیر آن هموار شود، نمی ماند.

به جاست که همه آزادیخواهان از جمله گرایشات اصلاح طلب مخاطب بیانیه اخیر، بر روی راه کارهایی که از جمله مانع شکل گیری یک قطب فعال تحول طلب در داخل کشور بوده اند بیشتر بی اندشند، آزموده را برای صدمین بار به بوته آزمایش نگذارند و در همین انتخابات مشخص هم، جبهه نه به انتخابات فرمایشی را گسترده تر سازند.

### یاد دکتر محمد مصدق گرامی باد!

صد و بیست و سومین سالگرد تولد دکتر محمد مصدق، مردی که نامش با آزادی و مراسم با استقلال و یادش با تلاش او برای به ثمر رسیدن جنبش ملی شدن نفت درهم آمیخته است، به همه آزاداندیشان و میهن دوستان کشورمان شاد باش می گوئیم. امیدواریم مبارزه مشترک تمامی سر بازان و دلبستگان راه عدالت و بهروزی مردم ایران بتواند دست این پاسداران و محافظان تاریکی و ظلمت را از دخالت در سرنوشت مردم ایران کوتاه کند تا دست در دست هم، یادبود این بزرگ مرد وطن دوست کشورمان و تمامی سر به دارشدگان راه رهایی را در ایران آزاد، آباد، دموکراتیک و به دور از جور و ستم، جشن گیریم.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران برگزار می نماید مراسم یادبود صد و بیست و سومین سالگرد دکتر محمد مصدق که استقلال و آزادی کشور را به مثابه یکی از مهمترین حلقه های ترقی کشور، سرلوحه فعالیت سیاسی خود قرار داد، اقدامی شایسته دانسته، به سهم خویش از این تلاش، پشتیبانی می کند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران  
اردیبهشت ۱۳۸۴